

A Study on the Application of Textiles in Packaging Small-Sized Items in the Qajar Period Based on Written Documents and Qualitative Properties of the Designs and Motifs

Ameneh Mafitabar*

Assistant Professor, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, IRAN.

Seyyed AbdulMajid Sharifzade

Assistant Professor, Retired of Research Center of Traditional Arts, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism Organization, (RICHT) Tehran, IRAN.

Abstract

Much like today, applications for textiles were not limited to clothing in the Qajar period in Iran. Different types of machine weavings (textiles) were used to fulfill many human needs at the time, and even to a larger extent than they are now. Research in applied arts has not sufficiently focused on such applications for textiles. One of these applications was using textiles for packaging and carrying small-sized items such as books, particularly the Quran, turbahs ("mohr" in Persian), misbahas (or tasbehs), needles, qalamdars [pen boxes], watches, surmadans [kohl containers], and even bathing soaps and food such as bread and pastry. This study aimed to examine the application of textiles for everyday needs such as packaging and carrying small-sized items during the Qajar period in Iran. It also attempted to scrutinize the qualitative properties of the designs and motifs on the textiles used for these purposes. Accordingly, the study questions were posed as follows: How could we categorize the textiles used for packaging and carrying small-sized everyday items during the Qajar period? and How could we analyze the designs and motifs on the textiles used for these purposes? In this historical-analytical study, about twenty five Qajar travel writings from the beginning of the Qajar rule to its end were explored. In addition, remaining images from the Qajar era, including paintings and photos, and tangible textile samples were analyzed using stratified sampling. The results showed that boghch (a kind of bundle), khonchepoosh (fabrics used to decorate khonche, a light wooden crate used in the traditional Iranian wedding ceremonies), small bags known as "pershal" bags, handkerchiefs, and towels (peshtemal) were among the most important and common items needed for packaging and

carrying small objects. For this use, sometimes pieces of fabric from old clothing items were patched since small-sized pieces of fabric were needed and textiles were expensive. However, new textiles were also used occasionally. Khonchepoosh was different from the other items and was made with expensive types of fabric given its application as a gift [at weddings]. No matter the material or application, its decoration was completed by various types of embroidery including patchduzi, cheshmehduzi, etc. The analysis of the designs and motifs on the textiles used for these purposes indicated that from the nine textile designs, vagireh (tangled), muharramat (striped), framed (plaid), afshan (scattered), mehrabi, and toranjdar designs, which were usually decorated with floral patterns, were the mostly used. Nevertheless, the dominant designs in the textiles were sometimes muharramat and framed (striped and plaid), i.e., without a pattern, and at other times, geometrical patterns were used on any design (usually framed, mehrabi, toranjdar) because of the predominance of cheshmeduzi embroidery technique. Overall, the examination of the frequency of the designs and motifs on the remaining textiles which were used for the items made for packaging such as boghche, khonchepoosh, hankerchiefs, towels, and pershal bags in the Qajar period in Iran, demonstrated that toranjdar or medallion design (with the square symmetry principle) was the most frequent as it fit the square or circle shape of the piece of fabric. Floral motifs were also the main patterns used in the decoration of this design.

Keywords: Qajar Textiles, Fabric Packaging, Written Documents, Textile's Design, Textile's Motif.

* Email (corresponding author): A.mafitabar@art.ac.ir

کارکرد منسوجات در بسته‌بندی کالاهای کوچک در عصر قاجار به روایت اسناد مکتوب و با نظر به ویژگی‌های کیفی طرح و نقش

آمنه مافی تبار*

استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران

سید عبدالمجید شریف‌زاده

استادیار، بازنشسته پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران

چکیده

منسوجات در عصر قاجار همچون هر دوره دیگر، کارکردی فراتر از پوشاک داشت و در بسیاری از امور از جمله بسته‌بندی و نقل و انتقال کالاهای کوچک به کار می‌آمد. شکلی از مصرف که چگونگی آن در پژوهش‌های هنرهای کاربردی مورد غفلت واقع شده است. با این حساب پرسش این خواهد بود: در عصر قاجار، منسوجات در چه قالب یا قالب‌هایی برای بسته‌بندی و حمل کالاهای کوچک و روزمره به کار می‌آمدند و انواع مورد استفاده در این کاربرد از جهت طرح و نقش چگونه ارزیابی می‌شوند؟ هدف این مقاله شناسایی اقلام منسوج در بسته‌بندی و جابه‌جایی کالاهای کوچک همچون مهر، کتاب، سکه، خوراک، آینه، ساعت در مرتبه اول؛ و مذاقه در ویژگی‌های کیفی طرح و نقش منسوجات مورد استفاده در این اقسام؛ در مرتبه دوم است. نتیجه پژوهش با نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده به شیوه تحلیلی-تاریخی، با نظر به اسناد مکتوب مبتنی بر سنت سفرنامه‌نگاری و واکاوی در نمونه‌های تصویری مبتنی بر قطعات ملموس منسوجات نشان داد: بقیچه، خنچه‌پوش، کیسه پرشال، دستمال و حوله (لنگ) از اصلی‌ترین انواع مورد استفاده در چنین کاربردی بودند. به سبب ابعاد کوچک چنین اقلامی در بسیاری موارد (به جز خنچه‌پوش) امکان تهیه آن‌ها از پارچه‌های کهنه وجود داشت و البته در هر صورتی که بود، معمولاً با هنرهای تکمیلی به‌ویژه رودوزی زینت می‌شد. با این مصرف، از میان طرح‌های نه‌گانه پارچه، انواع واگیره‌ای، افشان، قابی (خشتی/ چهارخانه)، محرمات (راه‌راه)، محرابی و ترنج‌دار با فراوانی بیشتر قابل ملاحظه است و هرچند در برخی موارد طرح‌های محرمات و خشتی فارغ از نقش هستند، اما در صورت کلی، صور گیاهی برای نقش‌اندازی در تمام طرح‌ها پیشی دارد و در برخی موارد به‌تبع تکنیک رودوزی (چشمه‌دوزی) با نقوش هندسی جایگزین شده است. در مجموع آنکه طرح ترنج‌دار به‌سبب هماهنگی بیشتر با محیط چهارگوش یا دایره پارچه مورد استفاده در بقیچه، خنچه‌پوش، کیسه پرشال، دستمال و حوله (لنگ) از رواج بیشتری برخوردار بود که در قاطبه موارد با نقوش گیاهی آرایه‌بندی می‌شد.

واژگان کلیدی:

منسوجات قاجار، بسته‌بندی پارچه‌ای، اسناد مکتوب، طرح پارچه، نقش پارچه.

*نویسنده مسئول مکاتبات: a.mafitabar@art.ac.ir

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نویسنده اول با عنوان «تحلیل و طبقه‌بندی طرح و نقش پارچه‌های عصر قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۵ ه.ش)» است که در قالب ارتباط دانشگاه هنر با جامعه و صنعت در پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به تصویب رسیده و تحت نظر ایشان در حال انجام است

در بررسی منسوجات عصر قاجار در بازه تاریخی افزون بر یک قرن (۱۳۴۳/۱۹۲۵ - ۱۲۱۰/۱۷۹۶)، معمولاً صورت شکلی انواع پوشش زنانه و مردانه و در نهایت پارچه‌های مورد استفاده در آن کاربرد، مورد پژوهش است، درحالی که همچون امروز و حتی فراتر از آن، منسوجات در عصر قاجار به صورت گسترده در زندگی روزمره مردم ایفای نقش داشته است. خواست این پژوهش، تدقیق در پاره‌ای از قسمت‌های این موضوع مغفول است، زیرا باوجود آنکه پارچه به دلیل برخی از ویژگی‌های کیفی و جنسیتی همچون انعطاف‌پذیری، قابلیت برش و همین‌طور طرح، نقش و رنگ متنوع در کاربردهای بی‌شماری از زندگی روزانه استفاده داشته اما کمتر از این حیث محل توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از جمله این کارکردها، بسته‌بندی و حمل اشیاست. بنابراین، شناسایی اقلام منسوج در بسته‌بندی و حمل کالاهای کوچک همچون مهر، قرآن، سکه، قلم، ساعت، سوزن، صابون، آینه، سُرمدان، تنباکو، نبات، آینه، شانه، خنجر، اسناد و مذاقه در ویژگی‌های کیفی طرح و نقش پارچه‌های مورد استفاده در این اقسام از اهداف اصیل این پژوهش به حساب می‌آید، چراکه موارد مذکور هر کدام به دلیل تناسب با باورهای مذهبی و آیینی یا کارکرد تجاری و حتی بهداشت اولیه در زندگی بیشتر افراد به عنوان یک خواست اصلی همچون لباس، مورد مصرف فراوان و به تبیین دقیق‌تر هر روزه داشته و جزئی از نیازهای زیستی ایشان بوده است. پس، به یقین، نگهداری و حمل آن‌ها به صورت مناسب، دغدغه دیگری

بوده که هر فرد به تناسب شرایط زندگی خود در جهت پاسخ به آن اقدام می‌کرده است. در این میان، چون پارچه به عنوان یک بستر منعطف و در دسترس یکی از اصلی‌ترین صور تأمین این نیاز به حساب می‌آید، محتمل است طرح و نقش انواع پارچه در این مصرف به تناسب کارکرد سامان می‌یافته یا حداقل چنین کاربردی در نقشه‌بندی آن تأثیرگذار بوده است. با این نگاه، پرسش آن خواهد بود: منسوجات کاربردی در حمل وسایل کوچک و روزمره زندگی قاجاری در چه آشکالی بروز می‌یافته و انواع مورد استفاده در این کارکرد از جهت ویژگی‌های صورتی مبتنی بر طرح و نقش چگونه تعریف می‌شود؟ بدین تقریر، برخی از مهم‌ترین سفرنامه‌های خارجی این دوره به قلم آنتوان اولیویه^۱، سر هارفورد جونز بریجز^۲، موریس دوکوتزبوه^۳، جیمز فریزر^۴، جیمز تانکوانی^۵، گاسپار دروویل^۶، جیمز موریه^۷، اوژن فلاندن^۸، آرتور دوگوبینو^۹، آرمینیوس وامبری^{۱۰}، الیوت داریسی تاد^{۱۱}، مادام کارلا سرنای^{۱۲}، ادوارد براون^{۱۳}، ایزابلا بیشوپ^{۱۴}، یاکوب پولاک^{۱۵}، ژوانس فووریه^{۱۶}، نوبوبوشی فوروکاوا^{۱۷}، یوشیدا ماساهارو^{۱۸}، چارلز جیمز ویلز^{۱۹}، ارنست هولتسر^{۲۰}، ویلفرد اسپروی^{۲۱}، هانری رنه دالمانی^{۲۲}، کلارا کولیور رایس^{۲۳} به عنوان منابع دست اول در حوزه تاریخ‌نگاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا پس از نظری کوتاه بر انواع منسوجات عصر قاجار، مواردی که مصداق این بحث است، یعنی بقچه، خنچه‌پوش، کیسه‌های کوچک و حتی دستمال و حوله مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه در قالب جدول عرضه شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات بسیاری در ارتباط با منسوجات قاجاری به رشته تحریر درآمده که بیشتر آن‌ها با تمرکز بر پوشش زنانه و مردانه سامان گرفته‌اند. یکی از اولین این موارد، هشت‌هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی به قلم مهرآسا غیبی است (۲۰۰۶) که به صورت گزارش ساده اما دقیق، سیر تحول پوشاک ایران را از دوره باستان تا پایان قاجاریه به بحث گرفته است. غیبی در پایان هر فصل، توضیح مختصری درباره سیر پارچه‌بافی آن عصر ارائه می‌کند و البته که فصلی را به پوشاک و منسوجات دوره قاجار اختصاص داده است. در وجه مستقیم‌تر درباره شیوه تولید و حتی جنسیت انواع پارچه‌های قاجاری، تاریخ پارچه و نساجی در ایران به قلم فریده طالب‌پور است که به عنوان یک اثر توصیفی، فصلی درباره اوضاع تاریخی نساجی قاجار دارد که بارها به استناد سایر پژوهشگران درآمده است (۲۰۰۷). از جهت تصویرنگاری و غور در منابع مصور، ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر به کوشش رحیم و ژرژ عناویان منبع تصویری مناسبی برای بررسی برخی از ترمه‌های دوره قاجار به حساب می‌آید (۲۰۰۷). اما نمونه دیگر با قرابت بیشتر به موضوع این پژوهش، جلد پنجم از برگردان فارسی مجموعه «سیری در هنر ایران» به قلم فیلیس اکرم‌ن^{۲۴}

است (۲۰۲۲). بخشی از این مجلد ضمن توجه به پارچه‌بافی دوران اسلامی، به نساجی قاجار و سبک‌های نقش‌اندازی موجود در آن عهد اشاره می‌کند. مورد دیگری که در راستای بررسی طرح و نقش منسوجات قاجار قرار می‌گیرد، رساله دکتری فریناز فربود با عنوان «بررسی تأثیرات و پیامدهای انقلاب صنعتی اروپا بر هنر صنعت نساجی ایران در دوران قاجار» است (۲۰۰۹). این اثر به عنوان گام‌های نخست تحقیق کیفی درباره طرح و نقش پارچه‌های قاجار به عنوان یک موضوع مشخص درخور ستایش است. اما شاید جامع‌ترین نمونه درباره نقوش پارچه‌های قاجار، کتاب «نگاهی بر پارچه‌بافی دوران قاجار» تألیف زهره روح‌فر باشد که با پرهیز از تطویل و تشریح تاریخی به اصل موضوع اکتفا کرده است (۲۰۱۲). پس از شکل‌گیری این مراجع، مکتوبات دیگری همچون «پوشاک عصر قاجار» از مریم مونس سرخه (۲۰۱۷) و «سیری در مد و لباس دوره قاجار» از مهتاب مبینی و اعظم اسدی (۲۰۱۷) به چاپ رسیدند که در روندی نظیر آنچه در ابتدا اشاره شد، پارچه و ویژگی‌های کیفی آن را لای پوشاک مطمح نظر قرار داده‌اند. مورد دیگر با این نگاه، «پوشاک دوره قاجار» از سهیلا شهشهانی است که اطلاعات ارزشمندی را در حوزه البسه قاجاری طرح می‌کند. اما در حوزه منسوجات قاجاری

کمتر صاحب تأثیر به حساب می‌آید (2017). علاوه بر این کتاب‌ها، مقالاتی با مضمون ویژگی‌های کیفی منسوجات قاجار نیز شکل گرفت که از جمله برخی از متأخرترین آن‌ها «مطالعه تطبیقی نقوش و انواع سوزن‌دوزی در پوشاک زنان و مردان دربار قاجار» از زهرا حاجی‌قاسمی و دیگر همکاران است که در دو فصلنامه هنرهای صناعی ایران به چاپ رسیده است (2022). این مورد همچون برخی از نمونه‌های رایج پیشین که در بهترین وجه توانسته‌اند قدمی فراتر از توصیف بردارند، به تحلیل منسوجات مبتنی بر پوشاک بسنده نموده است. مطابق با این رویکرد، آمنه مافی‌تبار نیز «پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک شب صنایع‌الملک» را در ماهنامه باغ نظر به نشر رساند و صرفاً به احراز طبقه‌بندی از طرح و نقش پارچه‌های کاربردی در پوشاک این عصر اقدام نمود (2022). البته وی پیش‌تر مطالعه دیگری را با همکاری فاطمه کاتب و محوریت پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاهی با عنوان «بازایی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری» در دو فصلنامه پژوهش هنر به چاپ رسانده (2018) و اشاره‌ای مختصر به منسوجات کاربردی در زندگی روزمره همچون زیرانداز، روانداز، تکیه‌گاه و ... روا داشته است. وجه افتراق مقاله حاضر از نمونه‌های فوق آن است که مبنای پژوهش‌های مذکور در وجهه نخست معطوف به پوشاک بوده و در مرتبه دوم با منسوجات نسبت می‌یابد. این طیف از مطالعات حتی اگر فارغ از وجوه تکنیکی تولید منسوجات با موارد کیفی همچون طرح، نقش و جنسیت بافت مرتبط باشد، این متغیرها را در قالب بسیط و فارغ از انواع کارکرد منسوجات به چالش گرفته یا این موارد را با نگاه تطبیقی، در قیاس با دوره‌های دیگر بررسی کرده است. افزون‌بر این مبنای مطالعه مقالات در اهم موارد، صرفاً نقاشی‌های به‌جای‌مانده از عصر قاجار است؛ درمقابل، دستاورد مقاله حاضر آن است که با تدقیق در سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی، مطالب مرتبط با شیوه‌های برتر و رایج بسته‌بندی اشیای کوچک در آن عهد را بازایی می‌کند؛ آنگاه با واکاوی نمونه‌هایی از منسوجات موزه‌ای، متناسب با اطلاعات به‌دست‌آمده نسبت به گمانه‌زنی درباره طرح و نقش پارچه‌های قاجاری مورد استفاده در این اقلام اقدام می‌نماید.

۲. روش پژوهش

با نظر به آنچه اشاره شد، مقاله حاضر با روش تحلیلی-تاریخی و با نظر به برخی منابع دست اول به‌جای‌مانده از عهد قاجار شکل می‌گیرد که از جمله آن‌ها می‌توان به سفرنامه‌های آن عهد و اسناد تصویری (مشمول بر نمونه‌های به‌جای‌مانده از منسوجات آن عهد محفوظ در مجموعه‌های موزه ملی ایران، کاخ‌موزه گلستان، موزه وزیری یزد، ویکتوریا و آلبرت لندن، موزه بریتانیا، موزه بروکلین، موزه متروپولیتن، مجموعه خصوصی حمید توکلی) اشاره داشت که در سراسر بازه زمانی مذکور، افزون بر یک‌صدویست‌سال پراکندگی دارد و از این حیث، امکان مطالعه اسنادی از طریق فیش‌برداری و تصویرخوانی را فراهم می‌آورد. نمونه‌های موجود این مطالعه کیفی با نمونه‌گیری احتمالی

طبقه‌بندی‌شده از جامعه آماری خنچه‌پوش‌ها، بقچه‌ها، کیسه‌های کوچک، حوله‌ها و دستمال‌های قاجاری و گمازنی درباره طرح و نقش رایج در آن‌ها به هدف خود دست می‌یازد.

۳. انواع منسوجات در عصر قاجار

در ایران عصر قاجار (۱۳۴۳/۱۹۲۵ - ۱۲۱۰/۱۷۹۶)، مراکز عمده تولید منسوجات همان شهرهای زمان صفویه بود: یزد، کاشان، اصفهان و تبریز و کرمان. بافت پارچه در سراسر کشور گسترده‌ای داشت و به‌عنوان سهم بار مالیاتی برخی شهرهای خاص محاسبه می‌شد. هر ایالت بزرگ نوعی از منسوجات را تولید می‌کرد اما احتمالاً به‌سبب دشواری و هزینه سنگین حمل و نقل، اکثر تولیدات برای مصرف محلی بود. (Wearden & Baker, 2017, p. 43) برخلاف آنکه این عصر معمولاً به‌صورت خاص به دوره افول نساجی ایران تعبیر می‌شود و درباره آن نوشته‌اند: «دور قاجار بدترین دوره در تمام تاریخ ایران برای صنعت بافندگی است، زیرا از یک‌سو، ناگزیر سیل پارچه‌های خارجی به ایران سرازیر شد و از طرف دیگر ضعف حکومت و بی‌علاقگی پادشاهان به صنایع موجب گردید که هیچ جنبشی در این زمینه به‌عمل نیاید. از سوی دیگر، دوره قاجار با نهضت همه‌جانبه ماشین در اروپا مصادف بود و پارچه‌بافی دستی ایران نمی‌توانست در برابر ماشین سرپا بایستد». (Alvand, 1984, p. 131) اما توانمندی نساجی ایران در حد مصرف داخلی به‌اندازه‌ای بود که در کلیت بازه تاریخی افزون بر یک قرن قابل قبول می‌نمود. چنانکه گردشگران قرن سیزدهم/نوزدهم، بر این اعتقاد بودند که فروشگاه‌ها و بازارهای ایران عصر قاجار، مملو از پارچه‌های رنگارنگ، بسیار مجلل و مرغوب است: «رومیزی‌های دستبافت که در نهایت استادی و زبردستی بافته می‌شدند، شال‌هایی از نوع کشمیری، پارچه‌های گران‌قیمت و نفیس ابریشمی و پشمی با گل‌ها و اسلیمی‌های خیره‌کننده در رنگ‌های بسیار شاد، بالش‌های سوزن‌دوزی‌شده با ابریشم، طلا و نقره نیز وجود داشتند». (Baker, 2006, p. 138) در کارگاه‌های اصفهان و شهرهای دیگر، منسوجات زردوزی و نقره‌دوزی‌شده و ابریشمی، چیت و پارچه‌های پنبه‌ای و تخته‌های قلمکار^{۲۵} و ... که هریک به نوبه خود زیبا بودند و در کارگاه‌های کاشان، شال و تافته‌های ابریشمی به تقلید از محصولات کشمیر تولید می‌شد. (Tancoigne, 1999, p. 244) در مازندران از لیاف، ابریشم و پنبه داشتند. کتان را بسیار خوب می‌بافتند که مورد استفاده مرد و زن اشراف بود و از ابریشم و پنبه جامه مشهور به «شیرپنیر»^{۲۶} می‌بافتند و با کیفیتی دیگر از ابریشم، رخت‌خواب‌پیچ و سایر چیزها را درست می‌کردند. (D'arcy Todd, 2018, p. 113) حتی قماش‌های ایرانی ابریشمی و پنبه‌ای به دریای سفید برده و به روسیه صادر می‌کردند. (Olivier, 1992, p. 177) به موازات این جریان در شمال کشور به‌ویژه رشت که ابریشم و پارچه‌های خشن پشمی می‌بافتند؛ در کرمان، نیز شال تولید می‌شد (Morier, 2011, p. 263) که بسیار ارزشمند می‌نمود و با شال‌های پشمی کشمیر رقابت می‌کرد. نکته آنکه در طبقه‌بندی طرح و نقش منسوجات تاریخی این دوره، به روال دیگر ادوار؛ افزون بر انواع پارچه‌های ساده (بدون



طرح و نقش)، انواع دیگر بر بنیاد روش اجرای طرح اصلی به (۱) محرابی^{۲۷} و (۲) ترنج‌دار^{۲۸} (قرینه انعکاسی)، (۳) واگیره‌ای ساده^{۲۹}، (۴) انواع قابی^{۳۰}؛ (۵) محرمات^{۳۱} (قرینه انتقالی)، (۶) روایی^{۳۲}، (۷) کتیبه‌ای^{۳۳}، (۸) افشان^{۳۴} (بی‌قرینه و نامتقارن) و البته (۹) تلفیقی تقسیم می‌شد. (Mafitabar, 2022, p. 113) «نقش‌ها نیز به انواع انسانی، جانوری، گیاهی، هندسی، جمادی و تلفیقی قابل طبقه‌بندی بود.» (Tamson, 2010, 2) و تفاوتی در صورت‌بندی آن‌ها نسبت به اعصار پیش‌تر وجود نداشت. به جهت تکنیک‌های تولیدی نیز همچون گذشته در تهیه برخی از اقسام منسوجات، افزون بر عملیات حین بافت، روشمندی‌های تکمیلی همچون رودوزی و چاپ صاحب تأثیر واقع می‌شد که مذاقه در آن موردپژوهی این مقاله به حساب نمی‌آید و صرفاً مورد اشاره خواهد بود.

۴. بقچه و خُنجه پوش

بقچه پارچه‌ای به شکل مربع است که در زمان‌های دورتر، برای بسته‌بندی، نگهداری یا حمل وسایل و لباس مورد استفاده بود و ابزار کاملاً ضروری برای تمام خانواده‌ها و قشرهای جامعه به حساب می‌آمد. مردم معمولاً لباس‌ها و پارچه‌ها را تا می‌کردند تا به شکل چهارگوش درآیند و آن‌ها را به شکلی در داخل بقچه می‌گذاشتند که هریک از چهار ضلع آن‌ها مقابل یکی از چهار زاویه بقچه قرار گیرد؛ آن‌گاه چهار گوشه بقچه را در راستای اقطار مربع روی هم می‌آوردند یا هر دو گوشه مقابل را به هم گره می‌زدند. بقچه را بیشتر در دست می‌گرفتند یا زیر بغل می‌گذاشتند و گاهی هم حمایل می‌کردند؛ از این‌رو، بقچه از وسایل قابل حمل توسط انسان بود. همچنین گونه‌ای از بقچه که ابعاد کوچک‌تری دارد، مخصوص نگهداری وسایل نماز (مهر و تسبیح) است که به جانماز معروف است اما اصلی‌ترین کاربرد بقچه، محل نگهداری لباس و منسوجات بود، (Karimi, 2019) حتی زنان متشخص هنگام حمام‌رفتن، خدمتکاران خود را از پیش به حمام می‌فرستادند که پارچه‌های گلدوزی شده نظیر بقچه را بر سرپینه پهن کنند تا روی آن بنشینند و پس از بیرون آمدن از حمام نیز روی آن استراحت کنند. (D'Allemagne, 1999, p 657) افزون‌بر آن، زن‌ها، بقچه‌های ابریشمین رنگین را که در آن‌ها لباس‌هایشان با سلیقه تمام، تا و چیده شده بود، همراه می‌بردند. (Serena, 1963, p 155) به‌واقع، در بسیاری مواقع و در صورت غالب از بقچه‌های ابریشمی برودری‌دوزی‌شده استردار برای پیچیدن لباس‌های تمیز و بردن آن‌ها به حمام یا فرستادن هدیه استفاده می‌شد. (Rice, 2004, p 163) افزون‌بر این، ایرانی‌ها معمولاً لباس‌های اضافی خود را بقچه‌پیچ می‌کردند و در طاقچه می‌گذاشتند که البته مقیاس آن در برابر یک فرد اروپایی کمتر بود، و به همین دلیل در بقچه جا می‌شد. دلیلش هم این بود که آن‌ها این لوازم را تقریباً همیشه از ابریشم یا پارچه زربفت و اغلب مرواریددوزی فراهم می‌نمودند و آن‌قدر آن را می‌پوشیدند تا کهنه شود و فقط در این موقع بود که به فکر تهیه جامه‌های دیگر می‌افتادند. (Drouville, 1988, 100) به همین سبب، ایرانی‌ها لباس‌های محدودی داشتند که امکان

جاسازی آن‌ها در بقچه فراهم می‌شد. در عین‌حال، زمانی هم که رومیزی‌ها و پوشش‌های تزئینی از آن دست در معرض استفاده نبود، تا می‌شد و آن‌ها را در بقچه‌هایی ویژه می‌گذاشتند و در صندوق‌ها یا طاقچه‌هایی مرتفع قرار می‌دادند. (Rice, 2004, p 124) به این ترتیب، بسته‌بندی انواع لباس و پارچه در بقچه و البته نگهداری و جابه‌جایی آن‌ها در میان ایرانیان عصر قاجار شیوع داشت، و هرچند بقچه برای دیگر کارکردها مناسب می‌نمود اما صورت اصیل آن با حفظ و حمل منسوجات گره می‌خورد.

ازسوی دیگر، از پارچه‌هایی نظیر بقچه برای پوشش طبق‌های چوبین کوچک حمل هدایای مخصوص نیز استفاده می‌کردند یعنی وقتی هدیه گرانبهایی برای شخصیت والا مقام می‌فرستادند، طبق حاوی هدیه را به‌طرز شکوهمند با پارچه می‌پوشاندند (D'Allemagne, 1999, p 657). در ابعاد همایونی نیز انواع خلعت داخل بقچه‌ها و خُنجه‌پوش‌های گرانبها همچون ترمه حمل می‌شد (Ehsham al-Sultaneh, 1988, 45). البته در میان دیگر طبقات جامعه هم این رسم وجود داشت. برای نمونه، در عروسی ارمنی‌ها، سینی هدیه‌های عروس را که هنوز زیر روپوش پنهان بود، وسط اتاق قرار می‌دادند... آن وقت پارچه روی سینی هدایا را برمی‌داشتند... (Holtzer, 1979, p 66) این نوع پوشش برای انواع خوراک در صورت ملوکانه و عامی نیز به کار می‌آمد، چنانچه بر اساس منابع عهد فتحعلی‌شاهی؛ «روزی بیست مجمعه شام و نهار به عمارت خیمه می‌آمد که محل نشیمن خاقان مرحوم بود. مجمعه‌ها را در پارچه سفیدی می‌گذاشتند، خانم کوچک سرش را مهر می‌کرد و ده نفر خانم آن‌ها را به‌سوی خاقان می‌بردند.» (Azod-al Doleh, 2015, p 28) درمیان عامه مردم هم یکی از رسوم اجتماعی ایرانی‌ها آن بود که خیلی اوقات از غذایی که درست می‌کردند، برای یکدیگر می‌فرستادند. ظرف‌های غذای پیشکشی را در مجمعه مسی سفید کرده می‌چیدند که روی سر برده می‌شد (شکل ۱). غذا را در کاسه‌های کوچک می‌کشیدند و روی مجمعه را پارچه زربفت و سوزن‌دوزی می‌کشیدند. این روکش نفیس و زیبا مانند پارچه ژاپنی «فوکوسا»^{۳۵} نقش گل و بوته با تارهای زر و سیم داشت. (Masaharu, 2011, p 186) با این مضمون، خُنجه‌پوش‌ها با پوشش طبق‌های فلزی و چوبی برای حمل انواع هدایا همچون خوراک، پوشاک، زر و زیور به‌کار می‌آمد و با تعهد به سنت پوشیده‌واری ایرانی نه فقط آن را محفوظ می‌داشت که بر نفاست و ارزشمندی کالاهای تحت پوشش صحنه می‌گذاشت.

طرح و نقش منسوجات کاربردی در بقچه و خُنجه پوش: به این ترتیب در عصر قاجار، بقچه و خُنجه‌پوش که غالباً چهارگوش و البته بیشتر مربع بود در مقیاس بسیار وسیع مورد توجه قرار داشت. طرح و نقش این نوع منسوجات معمولاً ترنج‌دار و منقوش به صور بیشتر، گیاهی (شکل ۱ از جدول ۱) و کمتر، هندسی بود، چراکه صورت دوم یعنی هندسی تقریباً فقط در انواع چشمه‌دوزی^{۳۶} مجال بروز می‌یافت (شکل ۲ از جدول ۱). افزون‌بر شیوه‌های معمول بافت منسوجات گرانبها (همچون شال‌بافی و

از طبقه اقتصادی، جنسیت‌های پست‌تر با طرح‌های ساده‌تر همچون محرمات ساده (راه‌راه) نیز مورد استفاده قرار داشت (شکل ۵ از جدول ۱). البته در واقعیت امر، به جهت کارکرد تشریفاتی خنچه‌پوش یا حتی بقچه در نوع تجملی، پارچه کاربردی در این اقلام از انواع گرانبها تهیه و آسترکشی می‌شد و معمولاً به تبعیت از محیط آن حاشیه‌بندی داشت (شکل ۶ از جدول ۱).

زری‌بافی، انواع رودوزی همچون پته‌دوزی، گلدوزی و چشمه‌دوزی شیوه‌های رایج‌ترین چنین پوشش‌هایی بود که با طرح ترنج‌دار تهیه می‌شد (شکل ۳ از جدول ۱). البته طرح‌های واگیره‌ای نیز به کار می‌آمد که در این حالت نقوش گیاهی غلبه داشت (شکل ۴ از جدول ۱). جنسیت‌های مورد استفاده در این کاربرد یعنی بقچه در انواع گوناگون قابل تعریف بود یعنی به تبعیت



شکل ۱: مجموعه‌های هدایا در کاخ شاهی. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (تهران). (نگارندگان).
Fig. 1: Collection of gifts in the royal palace. Institute of Contemporary History of Iran (Tehran) (Authors)

جدول ۱: برخی از انواع طرح و نقش در بقچه‌ها و خنچه‌پوش‌های قاجاری (نگارندگان)
Table 1: Some types of designs and motifs in Qajar's Baqcheh and khanche-poush (Authors)



شکل ۳: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی. نظیر انواع کاربردی در بقچه و خنچه‌پوش به شیوه رودوزی (گل‌دوزی). موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۲: طرح ترنج‌دار با نقش هندسی. نظیر انواع کاربردی در بقچه و خنچه‌پوش به شیوه رودوزی (چشمه‌دوزی). موزه بروکلین (نیویورک). (URL2)



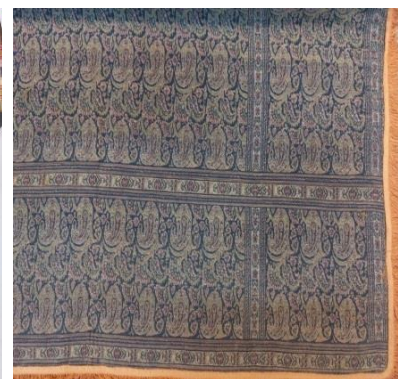
شکل ۱: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی. نظیر انواع کاربردی در بقچه و خنچه‌پوش به شیوه رودوزی (پته‌دوزی). موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۶: طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی. نظیر انواع کاربردی در بقچه و خنچه‌پوش. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۵: طرح محرمات ساده و بدون نقش. کاربرد بقچه. موزه وزیری (یزد). (نگارندگان).



شکل ۴: طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی. کاربرد بقچه. موزه وزیری (یزد). (نگارندگان).

۵. کیسه کوچک (پر شال)

در عصر قاجار، پوشش قبا به کمک شال نگه داشته می‌شد که شرقی‌ها از دیرباز برای آن اهمیت خاصی قائل بودند. از این مسیر، ایرانی‌ها معمولاً در پر شال کمر، چیزهایی فرو می‌کردند که با ملاحظه آن به سهولت امکان تشخیص مقام و حال صاحب آن وجود داشت. (Polak, 1989, p 107) آن‌طور که به قلم برخی ناظران آمده است: انواع و اقسام مردم از بازارها حرکت می‌کنند. میرزاها درحالی که قلمدان خود را پر شال زده‌اند، با سرعت از وسط اجتماع عبور می‌کنند. (D' Gobineau, 2006, p. 60) هر میرزایی در لای شال کمرش آنچه را برای نوشتن لازم دارد، با خود حمل می‌کند: قلمدانی با قلم و مرکب، یک طومار کاغذ و قیچی. (Serena, 1963, p 112) به این ترتیب کیسه و آنچه به تناسب در شال کمر فرو شده، برای شناسایی افراد متناسب به شغل از جمله میرزاها به‌عنوان یک نشانه کاربرد داشته است. در سطح وسیع‌تر نیز این‌طور ذکر می‌شود: در ایران، هر ناحیه‌ای لباس ویژه خود را داشت. مردهای بختیاری روی قبا، شالی محکم می‌بندند و ملزومات خود را از آن آویزان می‌کنند. (Bishop, 1996, p 70) مثلاً کردها، نیم‌تنه‌هایی به‌رنگ آبی، سرخ یا زرد می‌پوشند و دو سه کیسه کوچک محتوی گلوله با خود همراه دارند. (Flandin, 1977, p 56) به این ترتیب، حتی در صورت ایلیاتی نیز کیسه پرشال جهت معرفی نگاه فرد به حیات و سبک زندگی صاحب کارکرد بوده است. به‌تبعیت از سیاق پوشش عامه مردم در ابعاد نظامی نیز پیاده‌سوار ایرانی برخلاف شیوه مرسوم در دیگر سرزمین‌ها کوله‌پشتی با خود نداشت بلکه یک کیسه برای جای گلوله داشت. (Furukawa, 2005, p 109) به‌عبارتی، کیسه جایگزین اقلام پیشرفته دیگر جهت حمل وسایل به حساب می‌آمد و تأثیرش را در صور بالادستی نظامی نیز نشان می‌داد.

به‌واقع، در ایران عصر قاجار برای انواع بسته‌بندی، برخلاف کشورهای اروپایی هرگز از کاغذ استفاده نمی‌شد و به جای آن از کیسه‌های گوناگون؛ دستمال و بقچه‌های ابریشمی و قمیص^{۳۷} برودری دوزی شده زیبا بهره می‌جستند. در بعضی نقاط ایران برودری دوزی بر تکه‌پارچه‌های وصله‌دار نیز متداول بود. (Rice, 2004, p 163) چنانچه با قطعات کوچک و مستعمل پارچه شال نیز کیسه‌های کوچک درست می‌کردند. (Polak, 1989, p 112) این غلاف‌های زیبا را برای انواع اشیای خرد و ریز اعم از جاسوزن، شانه، آینه و غیره تدارک می‌دیدند. (D'Allemagne, 1999, p 668) با این نگاه در دوره قاجار، کیسه به‌عنوان متعدد یکی از انواع پرکاربرد برای نگهداری اشیای کوچک بود: شانه‌ها، آینه‌ها، جعبه‌های کوچک یا قوطی‌های انباشته از نقل و نبات یا اشیای دیگری که ایرانیان همواره در قباها می‌داشتند، برای محافظت در مقابل ضربه در غلاف‌ها یا جلاهایی از ابریشم دولا یا پارچه‌های لطیف دیگر قرار می‌گرفت تا از هرگونه خطر مصون باشد. پارچه‌هایی که با نقوش ابریشمین روی زمینه طلایی قلابدوزی می‌شد یا با پولک‌های زرین روی زمین ابریشمی زینت می‌یافت (Ibid, p 666). آن‌طور که به گواهی تاریخ، این کیسه‌ها نه‌فقط در بین مردم عامی که در سطوح بالای جامعه همچون پادشاهان، رجال و اُمرا کاربرد داشت: «وقتی نامه‌ها تصویب می-

شود به مهر وزیر مهور می‌گردد، بدین گونه که وی مهر خود را از کیسه‌ای که در جیب بغل گذاشته، بیرون می‌آورد و به طرف کاتب پرتاب می‌کند و او بی‌درنگ در حضور وزیر عمل مهر کردن را انجام می‌دهد.» (Fraser, 1985, p 278) حتی این شیوه نگهداری اموال، مسافران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنان بدین سبک بر حفظ اموال خویش اقدام می‌کنند: «من بر یک اسب ترکمنی که به سبک ایرانی زینت شده، استوارنامه خود را در کیسه‌ای که از پارچه ابریشمی آبی‌رنگ تهیه شده بر ترک زین خود داشتم.» (D' Gobineau, 1963, p. 20)

درمجموع، کیسه‌ها برای نگهداری وسایل روزمره تا اشیای قیمتی کارآمد بودند، چنانکه نگهداری سکه در کیسه به کرات مورد اشاره بوده است: در مسابقه‌های اسب‌دوانی ملوکانه نیز جایزه‌ها را در کیسه ریخته و مبلغ آن را روی کیسه‌ها نوشته بودند. این کیسه‌ها جلوی پادشاه گذاشته شده بود، بچه‌های چاپک‌سوار پس از بوسیدن قالی زیرپای شاه، کیسه جایزه‌شان را گرفته و تعظیم می‌کردند. (Jones Brydges, 2007, p 147) یا در جایی دیگر آمده است: «هیچ‌وقت دیده نشده بود که کسی عرض حالی تقدیم شاه کند، مگر آنکه با یک کیسه کوچک ابریشمی یا ترمه‌ای پر یا نیم‌پر از پول همراه داشته باشد.» (Feuvert, 1983, p 218) حتی استفاده از کیسه در بین مردم عامی جهت حمل پول به تکرار مورد تذکار بوده و سابقه تاریخی دارد: «روز دوم در عروسی ارمنی‌ها، سینی هدیه‌های عروسی را برای داماد می‌آورند. هدیه عبارت است از یک لباس کنانی یا ماهوت و کیسه پول، دستمال و اشیای مفید دیگر.» (Holtzer, 1979, p 68) چراکه این محمل یعنی کیسه بهترین امکان را برای محافظت، نگهداری و حمل سکه‌های فلزی فراهم می‌آورد و قابلیت پنهان‌ساختن آن به زیر لباس را به نیکی ممکن می‌گرداند. با وجود این، همواره برای نمایش آن در لحظه موعود کمال دقت در آرایه‌بندی صور ظاهری صورت می‌گرفت: «وقتی به همدان برگشتیم یکی از بیماران درمان‌شده مبلغ هشتاد ریال پول نقره داخل یک کیسه برودری دوزی شده برایم فرستاد، من کیسه را برداشتم و پول‌ها را برایش پس فرستادم و گفتم من این کیسه را به‌عنوان یادبود محبت شما نزد خود نگه می‌دارم ولی از قبول این همه پول معذورم.» (Wills, 2009, p 111) در سوی مقابل، از جهت نگهداری اشیای روزمره و کم‌بها (البته به تعبیر امروزی) در کیسه‌های کوچک نیز می‌توان به موارد متعددی اشاره داشت که اسناد و مشاهدات مستقیم بر آن صحه می‌گذارد: «هر دو سه ماه، یک کیسه تنباکو به منی چهار پنج قران می‌خریدند که آن را ساییده و مجدد در کیسه ریخته و در یخدان حفظ می‌کردند.» (Masaharu, 2011, p 298) حتی مطابق با یک شعر فولکلور کاشانی در عصر قاجار آمده است: «پس خونه و پیش خونه که پُربرف بید/ شوب ندارد که زمستون رسید/ کیسه صابون به ته سطل نه/ بیق زدند نوبت حمام رسید.» یعنی وقتی پیش و پشت خانه پوشیده از برف شد، شکی نیست که زمستان رسیده است؛ پس کیسه صابون را در قعر سطل جا بده که بوق نوبت حمام زده شد. (Brown, 1996, p 463) بالاین حساب، کیسه‌ها برای نگهداری و حمل بالاترین سرمایه اقتصادی (سکه) تا دیگر اشیا چون کتاب، قلم، مهر، ساعت، سوزن، شانه، وسایل حمام همچون صابون، آینه،

سرمه‌دان، تنباکو، نبات، شیرینی، گلوله، خنجر، اسناد دولتی و... به کار می‌آمدند و به تبعیت از آنچه حاملش بودند و حسن سلیقه صاحب آن آرایه‌بندی می‌شدند.

طرح و نقش منسوجات کاربردی در کیسه پر شمال: با نظر به شرح اسناد مکتوب، کیسه‌ها گاه از قطعات وامانده و کهنه پارچه در دیگر کاربردها به‌ویژه لباس دوخته می‌شدند که در این صورت بیشتر طرح واگیرهای (شکل ۱ از جدول ۲) یا افشان (شکل ۲ از جدول ۲) داشتند و صور گیاهی در آن فراوانی داشت اما در مواردی با هدف خاص کیسه تهیه و تدارک دیده می‌شد که در این صورت به پیروی از قاعده کیف و کیسه به فرم چهارگوش یا دایره، بیشتر طرح ترنج‌دار (شکل‌های ۳ تا ۱۰ از جدول ۲) یا کمتر طرح محرابی (شکل ۱۱ از جدول ۲) داشتند و با عملیات تکمیلی پارچه به‌ویژه انواع رودوزی به نقوش گیاهی زینت می‌یافتند. البته در این فرم نیز استفاده از طرح قابی (خستی/ چهارخانه) با نقش هندسی با تکنیک چشمه‌دوزی دیده شده است (شکل ۱۲ از جدول ۲) اما همچنان غلبه با طرح‌های ترنج‌دار و نقوش گیاهی با دیگر روش‌های تزئینی منسوجات در عصر قاجار است که بر جلوه و شکوه مورد مصرفی بیش از پیش می‌افزاید.

۶. دستمال و حوله

در عصر قاجار، دستمال جیبی به‌شکل معمول و امروزی آن یا حتی صورت معاصر آن در اروپا معمول نبود و این تفاوت فرهنگی برای تبعه دیگر ملیت‌ها در ایران ایجاد مسئله می‌کرد. چنانکه معلم انگلیسی ساکن اصفهان در عصر مظفرالدین‌شاه برای رفع نیازهای ضروری خود، نامه‌ای درباره نبود کارد و چنگال، صندلی، میز، دستمال، حوله و بالاخره تمام ملزومات زندگی انگلیسی در ایران نوشت و به دولت متبوع درخواست ارسال آن را ابراز داشت. (Sparroy, 2000, 47) به‌واقع، در طول عصر قاجار، نگهداری دستمال در جیب و استفاده از آن به‌شکل غربی، جز در بین قشر ثروتمند، مرفه و مردم اعیان تهران معمول نبود (Wills, 2009, p 357). برای نمونه در عصر فتحعلی‌شاه نوشته‌اند: «در منزل سردار در ایروان، بعد از غذا آب آورده‌اند که دستمان را بشوییم، بدون اینکه حوله بیاورند؛ آخر مجبور شدیم که با دستمال جیبی خودمان دستمان را خشک کنیم.» (D' Kotzebue, 1986, p 122) البته با وجود آنکه در عصر ناصرالدین‌شاه این شیء در زندگی رجال و مردم مرفه تهران وارد شد و به‌تدریج به دیگر شهرها و طبقات اجتماع رسوخ یافت اما در دید کلی استفاده از این منسوج تغییر ایجاد نشد: «ایرانی‌ها، تالارهای وسیع بی‌ملمان خانه خود را که به اصطلاح باید آن را "اتاق پذیرایی" خواند با فرش‌های گرانبها مفروش می‌کنند اما لباسشان را به اسفبارترین وضع رها می‌کنند. آدمی که پنجاه تا صد سکه خرج لباس بیرون خانه خود می‌کند، به‌ندرت صاحب دو یا سه پیراهن است. صابون، کالایی لوکس و مصرف آن نادر است. من خان‌هایی با مدارج عالی اجتماعی و مهذب دیدم که از دستمال جیبی خدمتکاران خود استفاده کرده‌اند.» (Vambery, 1997, p 81) که البته در این قبیل موارد، کارکرد آن با دستمال جیبی مدنظر اروپایی‌ها نیز بسیار متفاوت

است و از این جهت در این مدخل مورد اشاره واقع می‌شود، چراکه به گواهی تاریخ، اصولاً دستمال در ایران این کاربرد را داشت که چیزهای گوناگون مانند اوراق و اسناد، نامه‌ها، گوشت، سبزی و این قبیل را در آن بپیچند. ایرانی‌ها معمولاً برای دستمال حاشیه درست نمی‌کردند. چنین چیزی خلاف آداب و رسوم بود؛ مع‌هذا حاشیه دستمال‌های کثانی مازندران را که مخصوص ثروتمندان است، ملیله‌دوزی می‌کردند. (Polak, 1989, p 106) چنانکه حتی در اواخر عصر قاجار و دوره احمدشاه نوشته‌اند: «دکان‌دار هیچ متاعی را بسته‌بندی نمی‌کند و در چیزی نمی‌پیچد. خریداران باید با خود کیسه یا دستمال بردارند تا موارد خریداری‌شده را در آن بپیچند. اهالی محل به‌طور کلی دستمال برمی‌دارند و هرگز آن را در دست نمی‌گیرند بلکه در جیب می‌گذارند. اگر این شخص نوکر شما باشد به محض آنکه او را صدا بزنید، با همان دستمال کفش‌هایتان را به‌دقت پاک می‌کند. اگر هوس خرید نوعی شیرینی کنید، دستمال جادویی از جیب او بیرون می‌آید و آنچه خریداری‌شده در آن پیچیده می‌شود و در خانه روی میز جا می‌گیرد. سرانجام، دستمال به‌دست صاحبش می‌رسد و دوباره در خدمت کار اصلی خود قرار می‌گیرد. (Rice, 2004, p 141) درعین حال، حوله در شکل سنتی آن یعنی «لنگ» در کارکرد مشابه دستمال ظاهر می‌شد که استفاده از آن برای حمام مردان و زنان نیز رایج بود (Shahri, 2004, p 545). چنانکه نه فقط مردان که حتی زنان پس از خروج از خزینه حمام خود را به لنگ می‌پیچیدند (Feuviner, 1983, p 226). به‌ویژه آنکه این پارچه آب‌گیر بود و رطوبت سر و مو را به خود می‌گرفت، پس مورد استقبال قرار داشت اما درعین حال، لنگ برای ایرانیان کارکردی نظیر دستمال نیز داشت و برای بسته‌بندی مفید می‌نمود. البته در عصر قاجار برای لنگ و دستمال کارکرد نمادین نیز قائل بودند: مانند عشق‌رساندن و طلب عشق کردن. در این معنی، اول زن، دستمال ابریشمی را تقدیم مرد می‌کرد و سپس در دستمال دوم شیشه عطر یا جوراب قرار می‌داد و پس از آن، دستمال آجیل و در آخر پیراهن و زیرشلوار را بقیچه نموده، هدیه می‌نمود که در معنی عشق به صفا و رضا که حاضر به تسلیم است. (Shahri, 1999, p 562) که البته در تمام این مراتب، کاربرد دستمال و حتی بقیچه به‌عنوان حامل شیء دیگر قابل تأمل است. البته بر نگارندگان پوشیده نیست که از عصر ناصرالدین‌شاه و پس از آن، در مقابل بیگانگی عامه مردم با دستمال و حوله به سبک اروپایی، این موارد در زندگی پادشاهان قاجار و رجال دربار در صورتی نظیر امروز آن استفاده داشت. چنانچه هر روز یک پیراهن نو و یک دستمال به حضور شاه آورده می‌شد. دستمال را یکی از فراش خلوت‌ها نگه می‌داشت تا به هنگام صرف غذا آن را به‌عنوان دستمال سفره تقدیم دارد. (Polak, 1989, p 109) حتی در جایی دیگر نقل شده: یکی از درباریان ضمن بیرون کشیدن دستمال ابریشمی‌اش از جیب، قصد ستردن گل از لباس‌های شاهزاده را داشته است (Wills, 2009, p 260) که این اشاره، متضمن وجود دستمال در جیب مقامات بالادستی جامعه است اما در مقصودی که مورد بررسی این مقاله است یکی از اصلی‌ترین کارکردهای لنگ و دستمال قاجاری بسته‌بندی کالاهای کوچک و حمل آن‌ها بود که در متون مستند آن عصر مورد اشاره قرار گرفته است.



جدول ۲: برخی از انواع طرح و نقش رایج در کیسه‌های کوچک قاجاری (نگارندگان)

Table 2: Some types of designs and motifs in small Qajar bags (Authors)



شکل ۳: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی. کاربرد کیسه. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۲: طرح واگیرهای با نقش گیاهی. کاربرد کیسه. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۱: طرح واگیرهای با نقش گیاهی. کاربرد کیسه. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۶: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی. کاربرد کیسه شانه. مجموعه خصوصی حمید توکلی. (URL3)



شکل ۵: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی. کاربرد کیسه پول. موزه وزیری (یزد). (نگارندگان)



شکل ۴: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی (پته‌دوزی). کاربرد کیسه کتاب. مجموعه خصوصی حمید توکلی. (URL3)



شکل ۹: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی. کاربرد کیسه ساعت. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۸: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی. کاربرد کیسه سورمه (سورمه‌دان). موزه بریتانیا (لندن). (URL4)



شکل ۷: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی. کاربرد کیسه شانه. مجموعه خصوصی حمید توکلی. (URL3)



شکل ۱۲: طرح قابی (خشتی / چهارخانه) با نقش هندسی به شیوه چشمه‌دوزی. کاربرد کیسه صابون. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۱۱: طرح محرابی با نقش گیاهی به شیوه چشمه‌دوزی. کاربرد کیسه مهر. موزه متروپولیتن (نیویورک). (URL5)



شکل ۱۰: طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوه رودوزی. کاربرد کیسه سوزن (جاسوزنی). موزه ملی ایران (تهران). (نگارندگان)

نقش قالب، صور گیاهی بود که مثلاً به شیوه رودوزی (گلدوزی)^{۳۸} بر بستر پارچه ظاهر می‌گشت (شکل ۳ از جدول ۳) اما در نوع خاصی از رودوزی (چشمه‌دوزی)، به تبعیت از نوع و امکانات تکنیک خاص آن، امکان و بیشتر الزام نقش‌اندازی هندسی فراهم می‌آمد (شکل ۴ از جدول ۳). اما به‌طور معمول نمونه‌های واگیره‌ای نیز مَزین به نقوش گیاهی بود و در نوع خاص قابی (خشتی/ چهارخانه)، به‌صورت بدون نقش نیز ظاهر می‌شد (شکل ۵ از جدول ۳) و شبیه لُنگ (حوله‌های سبک ایرانی) می‌نمود. در مجموع، مسلم آنکه به لحاظ صوری، انواع دستمال ساده با نقش‌ونگار اندک و بستر سفیدرنگ با نمونه‌های اروپایی نزدیکی بیشتری داشت (شکل ۶ از جدول ۳)، هرچند در کاربرد، سبقه و نگاه ایرانی پیشی می‌گرفت یعنی بسته‌بندی اقلام مصرفی در شیوه‌ای همچون بقیچه‌پیچ و استفاده به‌عنوان یک محمل همچنان مرجع بود و از اصلی‌ترین کارکردهای دستمال به‌حساب می‌آمد و استفاده‌های دیگر از آن همچون خشک و پاک‌کردن دست و صورت تجملی قلمداد می‌شد.

طرح و نقش منسوجات کاربردی در دستمال و حوله: درباره جزئیات کیفی این انواع؛ افزون بر نمونه‌های بدون طرح و نقش که صرفاً با حاشیه‌ای در دو یا چهار ضلع محیطی مشخص می‌شد، طرح و نقش دستمال‌های سنتی کاربردی در ایران عصر قاجار، واگیره‌ای منقوش به صور گیاهی و هندسی بود که گاه صرفاً از تکه‌پارچه‌های مستعمل تهیه می‌شد (شکل ۱ از جدول ۳) چون «زن ایرانی که خیاطی می‌کند به یک کار بیشتر از سایر کارها علاقه‌مند است و آن وصله‌دوزی است. اگر سفره، رومیزی یا جورابی نیاز به مرمت داشته باشد، شیوه کار یکی است.» (Rice, 2004, p. 209) پس با نظر به گرانی پارچه در ایران؛ تکه‌پارچه‌های به‌جای‌مانده از قطعات بزرگ‌تر همچون لباس به دستمال تبدیل می‌شد و برای رفع نیاز زن و مرد ایرانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. البته در شکل سنتی نیز گاه دستمال متناسب با کارکرد خود در فرهنگ ایرانی تهیه می‌شد که در این حالت ممکن بود علاوه‌بر حاشیه‌بندی دارای ریشه‌های آراسته نیز باشد (شکل ۲ از جدول ۳). طرح آن‌ها در این حالت ترنج‌دار یا واگیره‌ای بود که وابسته به نوع ایجاد؛ نقش‌اندازی می‌شد. برای نمونه در انواع ترنج‌دار،

جدول ۳: برخی از انواع طرح و نقش در دستمال و حوله‌های قاجاری (نگارندگان)
Table 3: Some types of designs and motifs in Qajar handkerchiefs and towels (Authors)



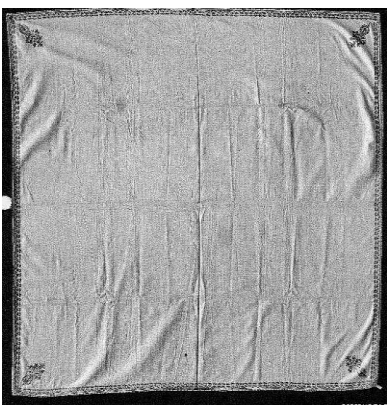
شکل ۳: طرح ترنج‌دار و نقش گیاهی به شیوه رودوزی (گلدوزی). کاربرد دستمال. کاخ موزه گلستان (تهران). (نگارندگان).



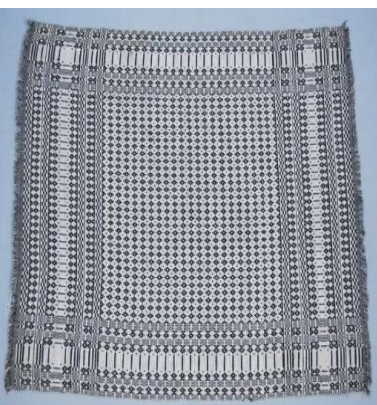
شکل ۴: بدون نقش با حاشیه در طرفین. کاربرد دستمال. موزه بریتانیا (لندن). (URL4)



شکل ۵: تکه پارچه با طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی. کاربردی نظیر انواع کاربردی در دستمال. موزه بریتانیا (لندن). (URL4)



شکل ۶: طرح ترنج‌دار و نقش گیاهی به شیوه رودوزی (گلدوزی). کاربرد دستمال. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)



شکل ۷: طرح قابی (خشتی) با حاشیه‌بندی و بدون نقش. نظیر انواع کاربردی در دستمال و حوله (لنگ). موزه بریتانیا (لندن). (URL4)



شکل ۸: طرح ترنج‌دار و نقش گیاهی به شیوه رودوزی (چشمه‌دوزی). نظیر انواع کاربردی در دستمال. موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن). (URL1)

کاربرد منسوجات در عصر قاجار همچون امروز صرفاً به پوشاک محدود نمی‌شد، یعنی انواع پارچه در برآورده ساختن بسیاری از نیازهای بشر آن روز به کار می‌آمد و حتی در سطح وسیع‌تری از آنچه که اکنون مورد استفاده است، ایفای نقش داشت. یکی از این کاربردها، بسته‌بندی و حمل کالاهای کوچک همچون قرآن، کتاب، مهر و تسبیح، سکه، سوزن، قلمدان، ساعت، سرمه‌دان، قلم، مهر، شانه، آینه، تنباکو، گل‌وله، خنجر، اسناد دولتی، حتی صابون حمام و خوراک‌های نظیر نان و شیرینی بود. مقاله حاضر با هدف بررسی چگونگی کاربرد پارچه به جهت رفع نیازهای روزمره همچون بسته‌بندی و حمل کالاهای کوچک در عصر قاجار و مذاقه در ویژگی‌های کیفی طرح و نقش منسوجات مورد استفاده در این اقسام شکل گرفت. نتیجه این پژوهش با تدقیق در قریب به بیست‌وپنج سفرنامه قاجاری از ابتدا تا به انتهای این دوره حکمرانی و البته واکاوی تصاویر به‌جای‌مانده از آن دوره با تأکید بر عکس‌های موزه‌ای از نمونه‌های ملموس منسوجات آن عصر نشان داد: در بازه زمانی مذکور، بقیچه، خنچه‌پوش، کیسه‌های کوچک موسوم به کیسه‌های پرشال، دستمال و حوله (لنگ) از مهم‌ترین و رایج‌ترین صور اقالام مورد نیاز برای بسته‌بندی و جابه‌جایی اجسام کوچک بوده‌اند. در این مصرف، به جهت ابعاد کوچک پارچه موردنیاز و گرانی منسوجات، گاه از قطعات وامانده پوشاک استفاده و وصله‌دوزی می‌شد و گاه پارچه‌های نو برای تهیه آن به کار می‌آمد. البته در بین تمام انواع نام‌برده، خنچه‌پوش مجزا بود و به دلیل کاربرد آن به مثابه هدیه از اقسام گرانبه‌تر تهیه می‌شد اما هرچه و در هر کاربرد که بود، در صورت آراستگی به عملیات تکمیلی معمولاً با انواع رودوزی مشتمل بر گلدوزی، پته‌دوزی،

چشمه‌دوزی و ... زینت می‌یافت. در راستای بررسی طرح و نقش پارچه‌های کاربردی در این انواع می‌توان مدعی بود از میان طرح‌های نه‌گانه پارچه، طرح‌های واگیره‌ای، محرمات (راه‌راه)، قابی (خشتی/چهارخانه)، افشان، محرابی و ترنج‌دار جزء انواع پُر استفاده بود که اغلب به صور گیاهی آراستگی داشت. البته گاه صرفاً با حاکمیت طرح محرمات و قابی به صورت راه‌راه و چهارخانه یعنی بدون نقش تهیه می‌شد و گاه با هر طرحی که بود (معمولاً قابی، محرابی، ترنج‌دار) به دلیل غلبه تکنیک چشمه‌دوزی با نقش هندسی صورت می‌یافت. در مجموع، بررسی فراوانی طرح و نقش در انواع به‌جای‌مانده نشان می‌دهد که در تهیه اقالام منسوج برای بسته‌بندی در عصر قاجار نظیر بقیچه، خنچه‌پوش، دستمال، حوله و کیسه پر شال، طرح ترنج‌دار (با قاعده قرینه‌سازی ربعی) به سبب تناسب بیشتر با محیط چهارگوش یا دایره قطعه منسوج مورد استفاده در کاربردهای مورد ذکر پیش‌تاز میدان رقابت بود و بر دیگر انواع برتری می‌جست. نقوش گیاهی نیز عنصر اصلی جهت آرایه‌بندی این طرح به حساب می‌آمد (جدول ۴). امید است سایر پژوهندگان با غور در دیگر وجوه مغفول درباره منسوجات کاربردی در عصر قاجار و برقراری تطبیق بین اسناد مکتوب و نمونه‌های تصویری، نسبت به ژرف‌نگری در این موضوع اقدام نمایند، چراکه هم‌افزایی متون دست اول، تصاویر و نمونه‌های منسوج به‌جای مانده نتایجی به‌بار خواهد آورد که در بسیاری موارد در منابع دست دوم و مورد استناد در پژوهش‌های تاریخی نادیده مانده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Antoine Guillaume Olivier: (۱۷۵۶-۱۸۱۴)، پزشک و سیاستمدار فرانسوی در عصر آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه.
۲. Sir Harford Jones Brydges: سیاستمدار و نویسنده بریتانیایی در عصر فتحعلی‌شاه.
۳. Kotzebue Maurice de: نویسنده آلمانی در عصر فتحعلی‌شاه.
۴. James Baillie Fraser: (۱۷۸۳-۱۸۵۶)، جهانگرد اسکاتلندی در عصر فتحعلی‌شاه.
۵. J. M. Tancoigne: فرستاده دولت فرانسه در عصر فتحعلی‌شاه.
۶. Gaspard Drouville: (۱۷۸۳-۱۸۵۶)، سیاستمدار انگلیسی عصر فتحعلی‌شاه.
۷. James Justinian Morier: (۱۷۸۰-۱۸۴۹)، فرستاده دولت انگلستان در عصر فتحعلی‌شاه.
۸. Jean-Baptiste Eugène Napoléon Flandin: (۱۸۰۹-۱۸۸۹) هنرمند و سیاستمدار فرانسوی در
- عصر محمدشاه.
۹. Joseph Arthur D' Gobineau: (۱۸۱۶-۱۸۸۲)، نویسنده، فیلسوف و سیاستمدار فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۰. Ármin Vámbéry: (۱۸۳۲-۱۹۱۳)، جهانگرد مجارستانی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۱. Elliott Darcy Tod: (۱۸۰۸-۱۸۴۵)، فرستاده دولت انگلستان در عصر محمدشاه.
۱۲. Mme Carla Serena: (۱۸۸۴-۱۸۲۰)، نویسنده و جهانگرد در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۳. Edward Granville Brown: (۱۸۶۲-۱۹۲۶)، مستشرق، پزشک و ایران‌شناس انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۴. Isabella Bird Bishop: (۱۸۳۱-۱۹۰۴)، جهانگرد انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۵. Jakob Eduard Polak: (۱۸۱۸-۱۸۹۱)، جهانگرد آلمانی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه.



کلی آن از تکرار منظم یک نقش در سرتاسر متن به‌وجود می‌آید.

۳۰. طرح شبکه‌بندی‌شده قابی که انواع آن به قاب‌قابی/ چهارخانه، خشتی و بندی شهرت دارد، نوعی قرینه‌سازی سراسری به‌حساب می‌آید.

۳۱. در محرمات، کل متن به چند ردیف موازی تقسیم می‌شود (راه‌راه) و معمولاً درون این ردیف‌ها با نقوشی تزئین می‌گردد.

۳۲. در طرح این‌گونه منسوجات؛ مناظر طبیعی، وقایع تاریخی و ... قابل ملاحظه است. در طرح‌های روایی هیچ‌یک از نقوش قرینه ندارد.

۳۳. در این نوع پارچه، انواع نوشته مبتنی بر آیات قرآن کریم، ادعیه، دعای خیر و نام هنرمند بافنده و تاریخ بافت پارچه به تصویر درمی‌آید.

۳۴. در طرح افشان تمام نقوش در طرح در متن پراکنده هستند و هیچ‌یک از نقوش قرینه ندارد.

۳۵. پارچه نفیس و خوش‌بافتی است که در آیین چای ژاپنی برای پیچیدن کاسه چای به‌کار می‌رود.

۳۶. نوعی رودوزی است که در آن از پارچه‌های کتان استفاده می‌شود. در این نوع رودوزی قسمت‌هایی از تار و پود پارچه نخ‌کشی می‌شود. میان آن‌ها را بخیه می‌کنند تا از هم باز نشود که به آن سکه‌دوزی هم گویند.

۳۷. پارچه پنبه‌ای.

۳۸. دوختن روی پارچه با نخ‌های قیطانی و ابریشمی به‌شکل گل‌های رنگارنگ.

۱۶. Joannes Feuvrier: (۱۸۹۵-۱۸۴۲). پزشک فرانسوی مخصوص ناصرالدین‌شاه.

۱۷. Nobuyoshi Furukawa: (۱۹۲۱-۱۸۴۹). فرستاده دولت ژاپن به ایران در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۸. Yushida Masaharu: (۱۹۲۱-۱۸۵۲). فرستاده دولت ژاپن به ایران در عصر ناصرالدین‌شاه.

۱۹. Charles James Wills: (۱۹۱۲-۱۸۴۲). پزشک و کارمند تلگراف انگلستان در ایران عصر ناصرالدین‌شاه.

۲۰. Ernest Holtzer: (۱۹۱۱-۱۸۳۵). مهندس و عکاس در عصر ناصرالدین‌شاه.

۲۱. Wilfrid Sparroy: معلم انگلیسی فرزندان ظل‌السلطان در عصر مظفرالدین‌شاه.

۲۲. Henry D'Allemagne: (۱۹۵۰-۱۸۶۳). جهانگرد فرانسوی در عصر مظفرالدین‌شاه.

۲۳. Clara Colliver Rice: (۱۹۱۶-۱۸۶۶). همسر مبلغ مذهبی انگلیسی در عصر احمدشاه و اوایل پهلوی.

۲۴. Ackreman Phyllis: (۱۹۷۷-۱۸۹۳)

۲۵. نوعی پارچه از جنس پنبه یا کتان که به‌وسیله قلم‌مو یا مهر روی آن نقش‌اندازی شده باشد.

۲۶. نوعی پارچه نازک.

۲۷. طرح اصلی این گروه بر مبنای فرم محراب مسجد است.

۲۸. طرح‌های ترنج‌دار متشکل از ترنجی در میانه طرح است. طرح ترنج‌دار بدون لچک یا همراه آن است.

۲۹. طرح تکرارشونده واگیره‌ای، ترکیبی است که ساختار

References

- Ackreman, Ph. (2016). A survey of Persian art: from prehistoric times to the present: bibliography of Islamic Persian art to 1938. By A. Pope & Ph. Ackreman. Translated by Z. Rouhfar. Vol. 5. Tehran: Elmi va Farhangi: 2307- 2472. (Original Work Published 1977).
- اکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). «پارچه‌های دوران اسلامی». سیری در هنر ایران (نقاشی، کتاب‌آرایی و پارچه‌بافی). گردآوری آرتور پوپ و فیلیس اکرم. ترجمه زهره روح‌فر. جلد پنجم. تهران: علمی و فرهنگی: ۲۴۷۲-۲۳۰۷.
- Alvand, A. (1984). Iran's textile industry from long ago to the present. Tehran: Polytechnic Industrial Faculty. [in Persian].
- الوند، احمد. (۱۳۶۳). صنعت نساجی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: دانشکده صنعتی پلی‌تکنیک.
- Anavian, R. & Anavian, J. (1997). Royal Termeh of Iran and Kashmir. Under the Supervision of T. Yamananobe. Tehran: Iranian Academy of the Arts. [in Persian].
- عناویان، رحیم؛ عناویان، ژرژ. (۱۳۸۶). ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر. زیر نظر تومویوکی یامانوبه. تهران: فرهنگستان هنر.
- Azod-al Doleh, A. (2015). History of Azdi (Biography of Fath Ali Shah). Tehran: Kane-ye Tarikh va Tasvir-e Abrishami. [in Persian].
- عضدالدوله، احمدمیرزا. (۱۳۹۴). تاریخ عضدی (شرح حال فتحعلی‌شاه). تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
- Baker, P. (2006). Islamic textiles. (M. Shayestefar Trans.). Tehran: Institute for Islamic Art. (Original Work Published 1995).
- بیکر، پاتریشیا. (۱۳۸۵). منسوجات اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- Bishop, I. B. (1996). Journeys in persia and Kurdistan. (M. Amiri Trans.). Tehran: Sepand. (Original Work Published 1891).
- بیشوپ، ایزابلا. (۱۳۷۵). از بیستون تا زردکوه بختیاری. ترجمه مهربا امیری. تهران: سپند.
- Brown, E. G. (1996). A year amongst the Persians. (Z. Mansouri Trans.). Tehran: Saffar. (Original Work Published 1893).
- براون، ادوارد. (۱۳۷۵). یک‌سال در میان ایرانیان. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. چاپ دوم. تهران: صفار.
- D'Allemagne, H. R. (1999). From Khorassan to the land of the Backhtiaris: three months of travel in Persia. (Q. Samici Trans.). Tehran: Tavous. (Original Work Published 1911). [in French].
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: طاووس.
- D'arcy Todd, E. (2018). Mazandaran paper. (H. Jalali Azizan Trans.). Bochum of Germany: Ayda.
- دارسی تاد، الیوت. (۱۳۹۷). سفرنامه مازندران. ترجمه حسن جلالی عزیزان. بوخوم آلمان: آیدا.
- D' Kotzebue, M. V. (1986). Narrative of a Journey in to Persia, in the suite of the Imperial Russian Embassy in

- the year 1817. (M. Hedayat Trans.). Tehran: Javidan. (Original Work Published 1819).
- [دوکوتزبونه، موریس. (۱۳۶۵). مسافرت به ایران در دوران فتحعلی شاه قاجار (۱۸۱۷ میلادی). محمود هدایت. تهران: جavidan.]
- D' Gobineau, J. A. (1963). The Iranian letters of D' Gobineau. (A. Qffari Trans.). Tehran: Dehkhoda. (Original Work Published uncertain). [in French].
- [دوگوبینو، کنت. (۱۳۴۱). نامه‌های ایرانی کنت دوگوبینو. ترجمه عزرا غفاری. تهران: دهخدا.]
- D' Gobineau, J. A. (2006) Three years in Asia: from 1855 to 1858. (Z. Mansouri Trans.). Tehran: Negarestan-e Ketab. (Original Work Published 1859). [in French].
- [دوگوبینو، کنت. (۱۳۸۵). سه سال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: نگارستان کتاب.]
- Drouville, G. (1988). Travel in Persia during the years 1812 and 1813. (M. Etemad moGhadam Trans.). 3rd Ed. Tehran: Shabaviz. (Original Work Published 1819). [in French].
- [دروویل، گاسپار. (۱۳۶۷). سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم. چاپ سوم. تهران: شباويز.]
- Ehsham al-Sultaneh, M. (1988). Memories of Ehsham al-Sultaneh. (By M.M. Mousavi). 2nd Ed. Tehran: Zavar. [in Persian].
- [احتشام‌السلطنه، محمود. (۱۳۶۷). خاطرات احتشام‌السلطنه. به کوشش محمد مهدی موسوی. چاپ دوم. تهران: زوار.]
- Farbod, F. (2009). The influence of industrial revolution on the Persian textile design of Qajar period (from pattern design aspect). Thesis for Ph.D. in Art Studies. Under Guidance of M. Khazaei. School of Art and Architecture. Tarbiat Modarres University. [in Persian].
- [فربود، فریناز. (۱۳۸۸). بررسی تأثیرات و پیامدهای انقلاب صنعتی اروپا بر هنر صنعت نساجی ایران در دوره قاجار. رساله دکتری در رشته پژوهش هنر. به راهنمایی محمد خزایی. دانشکده هنر و معماری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.]
- Flandin, E. (1977). Journey to Persia 1840 – 1841. (H. Noursadeghi Trans.). 3rd Ed. Tehran: Eshraghi. (Original Work Published 1851). [in French].
- [فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی. چاپ سوم. تهران: اشراقی.]
- Feuvrier, J. (1983). Three years at the Persian court. (A. Eghbal Ashtiani Trans.). 2nd Ed. Tehran: Donyaye Ketab. (Original Work Published 1900). [in French].
- [فووریه، ژوانس. (۱۳۶۲). سه سال در دربار ایران (خاطرات دکتر ژوانس فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار). ترجمه عباس اقبال آشتیانی. چاپ دوم. تهران: دنیای کتاب.]
- Fraser, J. B. (1985). A winter's Journey (Tatar) from constantinople to Tehran. (M. Amiri Trans.). Tehran: Toos Book. (Original Work Published 1838).
- [فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.]
- Furukawa, N. (2005). Travels of Nobuyoshi Furukawa member of the general staff the deputy of and first embassy of Japan to Persian. (H. Rajabzadeh & K. Eura Trans.). Tehran: Anjoman-e Asar o Mafakher-e Farhangi. (Original Work Published uncertain). [in Japanese].
- [فوروکاوا، نوبویوشی. (۱۳۸۴). سفرنامه فوروکاوا: عضو هیئت اجرایی نخستین سفارت ژاپن به ایران در دوره قاجار (۱۲۹۷ هـ. ق / ۱۸۸۰ م). ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی‌ئه اورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.]
- Gheibi, M. (2006). An 8000- Year History of Persian Costume. Tehran: Hirmad Book Store. [in Persian].
- [غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۵). تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: هیرمند.]
- Hajighasemi, Z. Hoshyar, M. & Khaki, M. (2022). A Comparative Study on the Motifs and Types of Needlework in the Clothing of Men and Women of the Qajar Court. Honar-haye Senacee-ye Iran. 4 (1). 157- 169. [in Persian].
- [حاجی قاسمی، زهرا؛ هوشیار، مهران و خاکی، مهدی. (۱۴۰۰). حاجی قاسمی، زهرا؛ هوشیار، مهران و خانکه، مهدی. (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی نقوش و انواع سوزن‌دوزی در پوشاک زنان و مردان دربار قاجار». دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران. ۴ (۱). ۱۶۹-۱۵۷.]
- Holtzer, E. (1976). Persia 113 years ago. (M. Asemi Trans.). Tehran: Vezarat-e Farhang va Honar. (Original Work Published 1975). [in German].
- [هولتسر، ارنست. (۱۳۵۵). ایران در یک صدوسی سال پیش. ترجمه محمد عاصمی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.]
- Jones Brydges, H. F. (2007). n Account of the transaction of His Majesty's Mission to the court of persia, in the years 1807 -11: to which is appended a brief history of the wahauby. (M. Salehi Allame Trans.). Tehran: Salees. (Original Work Published 1834).
- [جونز بریجز، سرهار فورد. (۱۳۸۶). خاطرات سرهار فورد جونز (روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران). ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: ثالث.]
- Karimi, A. (2019). "Boqcheh". The great Islamic encyclopedia. By S. K. Mousavi Bojnourdi. Tehran: The center for The great Islamic encyclopedia. [in Persian].
- [کریمی، اصغر. (۱۳۹۸). «بقچه». دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.]
- Mafitabar, A. & Kateb. F. (2018). Restoration of the design and motif of the textiles in the reign of Fathali Shah Qajar in view of royal figurative paintings. Pazhuhash-E Honar. 8 (15). 87- 106. [in Persian].
- [مافی‌تبار، آمنه و کاتب، فاطمه. (۱۳۹۷). «بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری». فصلنامه علمی پژوهش هنر. ۸ (۱۵). ۱۰۶-۸۷.]
- Mafitabar, A. (2022). Naser al-Din Shah-Era Women's and Men's Clothing as Reflected in Sani ol-Molk's Illustrations of One Thousand and One Nights. Bagh-e Nazar. 18 (105), 111- 122. [in Persian].
- [مافی‌تبار، آمنه. (۱۴۰۰). «پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک شب صنایع‌الملک». ماهنامه باغ نظر. ۱۸ (۱۰۵). ۱۲۲-۱۱۱.]
- Masaharu, Y. (2011). Mission to Persia. (H. Rajabzade Trans.). 2nd Ed. Mashhad: Astan Quds Razavi. (Original Work Published uncertain). [in Japanese].
- [ماساهارو، یوشیدا. (۱۳۹۰). سفرنامه نخستین فرستاده سفیر ژاپن به ایران (۱۲۹۷ هـ. ق / ۱۸۸۰ م). ترجمه هاشم رجبزاده. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.]
- Mobini, M. & Asadi, A. (2017). A Study on Fashion and Clothing of the Qajar Period. Tehran: Alzahra & Morakkaab-e Sepid. [in Persian].
- [مبینی، مهتاب و اسدی، اعظم. (۱۳۹۶). سیری در مد و لباس دوره قاجار. تهران: الزهراء و مرکب سپید.]
- Mounesi Sorkheh, M. (2017). Iranian Clothing in the Qajar Era (How and Why). Tehran: Alzahra & Morakkaab-e Sepid. [in Persian].
- [مونسی سرخه، مریم. (۱۳۹۶). پوشاک ایرانیان در عصر قاجار (چگونگی و چرایی). تهران: الزهراء و مرکب سپید.]
- Morier, J. J. (2011). A Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor, to constantinople, in the years 1808 and 1809. (A Serri Trans.). 1st Vol. Tehran: Toos. (Original Work Published 1818).
- [موریه، جیمز. (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه (سفر یکم). ترجمه ابوالقاسم سری. جلد اول. تهران: توس.]
- Olivier, G. A. (1992). Journey through the Turkic Empire, Egypt and Persia. (Mohammadtaher Mirza Trans.). By Q. Warahram. Tehran: Ettelaat. [in German].
- [الیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه تاریخ اجتماعی - اقتصادی در

خاص.

Tancoigne, M. (1999). Letters on Persia and Asian Turkey. (A. Saiedi Trans.) Tehran: Cheshme. (Original Work Published 1819). [in French].

[تانکوانی، ژ. ام. (۱۳۸۳). نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: چشمه.]

Vambery, A. (1997). Arminius Vambery, his life and adventures. (M. Ariya Trans.). 2nd Ed. Tehran: Elmi va Farhangi. (Original Work Published 1884).

[وامبری، آرمینیوس. (۱۳۸۱). زندگی و سفرهای وامبری (دنباله سیاحت‌نامه درویشی دروغین). ترجمه محمدحسین آریا. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.]

Wearden, J. M. & Baker, P. (2017). Iranian Textiles. (M. Maboubi Trans.). Tehran: Nazar. (Original Work Published 1883).

[وردن، جنیفر و بیکر، پاتریشیا. (۱۳۹۶). منسوجات ایرانی. ترجمه مهراں محبوبی. تهران: نظر.]

Wills, J. Ch. (2009). In the land of the lion and sun, or Modern Persia: being Experiences of life in Persia from 1866 to 1881. (Gh. Qaragouzlou Trans.). Tehran: Eqbal. (Original Work Published 1995).

[ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۸۸). ایران در یک قرن پیش. ترجمه غلامحسین قراگوزلو. تهران: اقبال.]

URL1: <https://www.vam.ac.uk> (access date: 8/8/2021)

URL2: <https://www.brooklynmuseum.org> (access date: 8/8/2021)

URL3: <http://textileasart.com> (access date: 8/8/2021)

URL4: <https://museumfreemasonry.org.uk> (access date: 8/8/2021)

URL5: <https://www.metmuseum.org> (access date: 8/8/2021)

دوران آغازین عصر قاجاریه. ترجمه محمدظاهر میرزا. تصحیح و

حواشی غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات.]

Polak, J. E. (1989). Persia the country and its inhabitants. (K. Jahandari Trans.). 2nd Ed. Tehran: Kharazmi. (Original Work Published 1865). [in German].

[پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان. ترجمه

کیکاووس جهاننداری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.]

Rouhfaz, Z. (2012). Textile Weaving in Qajar Period. Tehran: Armanshahr. [in Persian].

[روح‌فر، زهره. (۱۳۹۱). هنر پارچه‌بافی در دوره قاجار. تهران: آرمان‌شهر.]

Serena, M. C. (1983). My journey: personal memories. (A. Seyyedi Trans.). Tehran: Zavar. (Original Work Published 1881). [in French].

[سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). آدم‌ها و آیین‌ها در ایران. ترجمه علی اصغر سعیدی.

تهران: زوار.]

Shahri, J. (1999). Social history of Tehran in the 13 th century (Life, Business). Vol. 1-4. 3 rd Ed. Tehran: Rasa. [in Persian].

[شهری، جعفر. (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (زندگی،

کسب و کار). جلد دوم. چاپ سوم. تهران: رسا.]

Shahri, J. (1999). Old Tehran. Vol. 1. 4th Ed. Tehran: Moien. [in Persian].

[شهری، جعفر. (۱۳۸۳). طهران قدیم. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: معین.]

Sparroy, W. (2004). Persian children of the Royal family. (F. shahloueipour, Trans.). Tehran: Offical Site Of Iran's Pen Association. (Original Work Published 1901).

[اسپروی، ویلفرید. (۱۳۷۹). بچه‌های دربار. ترجمه ف. شاهلویی‌پور. تهران:

انجمن قلم ایران.]

Tamson, M. (2010). Designing of Traditional motifs. 10th Ed. Tehran: Sahami-e Khas. [in Persian].

[تام‌سن، منصور. (۱۳۸۹). طراحی نقوش سنتی. چاپ دهم. تهران: سهامی

